



Research Article

The Explanation of Aesthetic Constructivism in Islamic Education¹

Umm ul-Banin Husayn Zadeh

Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Farhangian
University, Sari, Iran. hosseinzadeh@cfu.ac.ir

Abstract

The purpose of the present study is to introduce aesthetic constructivism as a new approach in the field of Islamic education studies. Using 3 methods of qualitative content analysis, analysis, and thematic interpretation, this research dealt with the explanation of aesthetic constructivism as a new approach in the field of Islamic education studies. This idea is as a result of expanding the new approach of realist constructivism in the realm of aesthetical discussions in the Qur'ān's instructions. In this regard and according to Islamic instructions in the Qur'ān, beauties ontologically exist in the world independent from human understanding and attention. This premise also involves the existence of God as the absolute beauty. From epistemological point of view, beauty in aesthetic constructivism is an achievable issue that has definable criteria so it can be transmitted and taught. From anthropological view, the most important part of aesthetic constructivism is the agency of a human as an agent with free will and decision-making potential who is able to create his own mental constructions from absolute beauty to achieve and resemble that according to his existence, understanding, emotion, language and special context of living; and gradually approach the ultimate human goal that is resemblance to absolute beauty.

Keywords: Qur'ān, Human, Beauty, Islamic Education, Realist Constructivism, Aesthetic Constructivism.

1. **Received:** 2021/05/11 ; **Accepted:** 2021/07/01

Copyright © the authors

<http://tarbiatmaaref.cfu.ac.ir/>





تبیین رویکرد سازه‌گرایی زیباگرایانه در تربیت اسلامی^۱

ام‌البنین حسین‌زاده

استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، ساری، ایران. hosseinzadeh@cfu.ac.ir

چکیده

هدف این پژوهش معرفی رویکرد سازه‌گرایی زیباگرایانه به عنوان رویکرد نوینی در حوزه‌ی مطالعات تعلیم و تربیت اسلامی است. به این منظور و در ذیل معرفی این رویکرد، به بررسی گزاره‌های قرآن در باب تربیت، انسان و مفهوم زیبایی و دلالت‌های آن در گزاره‌های مبنایی تربیت اسلامی پرداخته شده است. در فلسفه‌ی اسلامی، تربیت به معنای ربوبی شدن یا خداگونگی و در قرآن، انسان نماینده‌ی خداوند در زمین و خدا صاحب نام‌های زیبا، منشأ زیبایی و دوستدار آن معرفی شده است. از این منظر، در قرآن کریم، زیبایی به اهداف غایی حیات انسان گره خورده است. نیل به زیبایی در قرآن، بالاترین مرتبه‌ی کمال دلیل آفرینش حیات و مرگ آدمی و آموختن او از نظر میزان زیبایی اعمال او بیان شده است. بر اساس این نگاه ویژه و این جایگاه بنیادین است که تبیین گزاره‌های مبنایی مفهوم زیبایی در قرآن و دلالت‌های آن در تعلیم و تربیت اسلامی از اهمیتی ویژه‌ای برخوردار است. در راستای این هدف، در این پژوهش، با استفاده از سه روش تحلیل محتوای کیفی، تحلیل شبه استعلایی و تحلیل و تفسیر مفهومی، به تبیین رویکرد سازه‌گرایی زیباگرایانه، به عنوان یک رویکرد جدید در حوزه‌ی مطالعات تعلیم و تربیت اسلامی پرداخته شده است. این ایده نتیجه‌ی توسعه‌ی رویکرد جدید سازه‌گرایی واقع‌گرایانه، در حوزه‌ی مباحث مربوط به زیبایی‌شناسی در آموزه‌های قرآن است. از این منظر و بر اساس آموزه‌های اسلام در قرآن، به لحاظ وجودشناسی، زیبایی‌ها در جهان، مستقل از ادراک و توجه آدمی وجود دارند. این پیش‌فرض، همچنین، شامل وجود خداوند به عنوان زیبایی مطلق می‌شود. از منظر معرفت‌شناسی، در ایده‌ی سازه‌گرایی زیباگرایانه، زیبایی امری قابل دستیابی، برخوردار از معیارهای قابل تعریف و بنابراین قابل انتقال و قابل تعلیم است. از منظر انسان‌شناسی، مهم‌ترین بخش رویکرد سازه‌گرایی زیباگرایانه، خصیصه‌ی عاملیت در انسان است که به عنوانی موجودی عامل، مختار و تصمیم‌گیرنده، قادر است به هدف نیل و تشبه به زیبایی مطلق، در حد موجودیت خود و در مسیر آن، بر حسب ادراک، احساس، زبان و بافت ویژه‌ای که در آن زیست می‌کند، سازه‌های ذهنی خود را از آن زیبایی مطلق خلق کند و گام به گام به هدف نهایی آدمی که تشبه به زیبایی مطلق است نزدیک‌تر شود.

کلیدواژه‌ها: قرآن، انسان، زیبایی، تربیت اسلامی، سازه‌گرایی واقع‌گرایانه، سازه‌گرایی زیباگرایانه.

۱. مقدمه

زیبایی در آموزه‌های اسلام، از مفهومی سرشار و فراگیر برخوردار است. جایگاه متمایز و منحصر به فرد این مفهوم، در آموزه‌های اسلامی، در آراء اندیشمندان متقدم و متاخر مسلمان و غیر مسلمان، به خوبی مشهود است. از این منظر، اکثر قریب به اتفاق فلاسفه‌ی مسلمان متقدم، از جمله فارابی، ابن سینا، رازی، سهروردی، خواجه نصیر طوسی، ابن عربی، غزالی و ملاصدرا، خداوند را غایت زیبایی و اصل و منشاء همه‌ی زیبایی‌ها دانسته‌اند (فارابی، بی‌تا، ص ۴۳؛ ابن سینا، بی‌تا/ الف، ص ۳۶۸؛ رازی، بی‌تا، ج ۲، ص ۹۴؛ سهروردی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۰۴-۲۰۵؛ طوسی، بی‌تا/ الف، ص ۹۷؛ غزالی، بی‌تا، ص ۱۰۷؛ ملاصدرا، بی‌تا، ج ۹، ص ۳۴۴). آن‌ها در تعاریف خود از زیبایی، بر رابطه‌ای بنیادین بین زیبایی، خیر، فضیلت، عشق، شوق، شادی، حرکت و کمال تاکید داشته‌اند (فارابی و غازانی، بی‌تا، ص ۱۱۵؛ فارابی، بی‌تا، ص ۶؛ ابن سینا، بی‌تا/ ب، ص ۷۱؛ سهروردی، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۹؛ طوسی، بی‌تا/ ب، ص ۵۵۲؛ غزالی، بی‌تا، ص ۱۲۱؛ ملاصدرا، بی‌تا، ج ۹، ص ۱۳۹). علاوه بر این، اندیشمندان مسلمان، همواره به «زیبایی» به عنوان اصل بنیادین امور اخلاقی اشاره داشته‌اند (چیتک،^۱ ۲۰۱۱a). این امر در میان اندیشمندان مسلمان معاصر نیز ادامه داشته است. علامه طباطبایی خداوند را منشاء زیبایی و زیبایی را مساوی هستی و آفرینش (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۳۱) و محبوبیت خداوند را در دل آدمی به سبب مجذوب شدن آن در برابر زیبایی‌ها و کمالات دانسته است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۲۱۵). علامه جعفری نیز اخلاق را در اسلام، زیرمجموعه‌ی زیبایی می‌داند (جعفری، ۱۳۶۹، ص ۳۰۸). نصر نیز اسلام را دین زیبایی و زیبایی را در اسلام، «جاذبه‌ی قدرتمند حقیقت الهی» و «شاهراه دستیابی به خدا» دانسته است (نصر، ۱۳۸۵، ص ۲۱۳). از میان دانشمندان غیرمسلمان، ویلیام سی چیتک، در مقالات متعددی از خود، مفهوم زیبایی را از جمله‌ی مفاهیم کلیدی در آموزه‌های اسلام برشمرده و بر زیبایی درونی آدمی که براساس آموزه‌های اسلامی، ریشه‌ای الهی دارد، تاکید کرده است (چیتک، ۲۰۱۱b). علاوه بر این، پروفیسور فاشه^۲، استاد مسیحی دانشگاه هاروارد، در مقالات متعددی از خود اذعان داشته است که مفهوم زیبایی در اسلام، فهم آدمی را از دو بُعد اساسی حیات، یعنی «آموختن» و «ارزش» به کلی دگرگون می‌کند (فاشه، ۲۰۱۴).

1. William C. Chittick

2. Munir Fasheh

با این همه، تاکنون مفهوم زیبایی در پژوهش‌های حوزه‌ی تربیت اسلامی، از جایگاه متناسبی برخوردار نبوده است. این امر در پژوهش‌های مهمی که در باب تعلیم و تربیت اسلامی، در سال‌های اخیر صورت گرفته‌اند، به وضوح قابل مشاهده است. از جمله‌ی این پژوهش‌ها می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره کرد.

پژوهش نقیب العطاس^۱ (۱۹۷۷) با عنوان «مفهوم تعلیم و تربیت اسلامی» که در اولین کنفرانس تعلیم و تربیت مسلمانان، ارائه شده است.

باقری (۱۳۸۷ الف)، در پژوهشی با عنوان «درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران»، تدوین فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران را مورد توجه قرار داد.

پژوهش علم‌الهدی (۱۳۸۸) با عنوان «نظریه‌ی اسلامی تعلیم و تربیت» و پژوهش و صادق‌زاده، حسنی، کشاورز و احمدی (۱۳۸۹) با عنوان «گزارش نهایی پژوهش ملی آموزش و پرورش» که به تدوین سند آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران اختصاص داشت.

در پژوهش‌های مذکور، یا اساساً به معنای زیبایی پرداخته نشده یا مفهوم آن به زیبایی از منظر هنر و فعالیت‌های هنری کاهش یافته و منحصر شده است. با این تفصیل، جای خالی پژوهشی در زمینه‌ی مفهوم اصیل زیبایی در اسلام، احساس می‌شود. به این منظور، قرآن به عنوان متقن‌ترین و مستندترین متن دینی در اسلام که حاوی اصیل‌ترین و بنیادی‌ترین گزاره‌های دینی در اسلام می‌باشد، در کانون پژوهش حاضر قرار گرفته است.

از این منظر، هدف پژوهش حاضر، معرفی رویکردی به نام سازه‌گرایی زیباشناسانه به عنوان رویکردی نوین در حوزه‌ی مطالعات تعلیم و تربیت اسلامی است که نتیجه‌ی توسعه‌ی رویکرد جدید سازه‌گرایی واقع‌گرایانه، در حوزه‌ی مباحث مربوط به زیبایی‌شناسی در اسلام است.

در این پژوهش، با استفاده از سه روش تحلیل محتوای کیفی، تحلیل شبه استعلایی و تحلیل و تفسیر مفهومی، ضمن تشریح رویکرد جدید سازه‌گرایی واقع‌گرایانه، به تبیین رویکرد سازه‌گرایی زیباگرایانه و در ذیل آن به تشریح گزاره‌های قرآن در باب مفهوم زیبایی پرداخته شده است. بخش نهایی پژوهش حاضر نیز به تشریح نظریه‌ی انسان عامل، به عنوان ایده‌ی مکمل این رویکرد و دلالت‌های آن در حوزه‌ی تعلیم و تربیت اسلامی اختصاص دارد.

1. Naquib al-Attas

ضرورت انجام این پژوهش ناظر بر مسأله اصالت و اقتباس در نظام تربیتی ما است. از این حیث، اقتباس فرهنگی و آموزشی، به معنای استفاده و بکارگیری محصولات علمی و تجربی یک نظام تربیتی بیگانه است که قبل از «اندیشه‌ورزی، نظریه‌پردازی، شناخت آرمان‌ها و واقعیت‌ها و شناخت ریشه‌های فلسفی فلسفه و روح موجود در آموزش و پرورش، شناخت آرمان‌ها و واقعیت‌ها و شناخت ریشه‌های فلسفی نهاد آموزشی» صورت می‌گیرد (زیباکلام، ۱۳۸۳، ص ۱۳۰). این مسأله، به ویژه در بخش مطالعات مربوط به ارتباط تعلیم و تربیت و مباحث زیبایی‌شناسی، به خوبی نمایان است. در این حوزه از مطالعات، به نظر می‌رسد، همگی توجهات به تربیت زیباشناختی که محصول نظری مباحث زیبایی‌شناسی غربی است، معطوف شده و نقش و سهم واقعی مفهوم اسلامی زیبایی در این عرصه، مورد غفلت قرار گرفته است. این همه در حالی است که پیش‌فرض‌ها و استلزامات زیبایی در آموزه‌های اسلامی، عرصه‌ی وسیعی از حیات آدمی را در بر می‌گیرد. از این منظر، در حوزه‌ی آموزه‌های اصیل اسلام و در متن قرآن، زیبایی به اهداف غایی حیات آدمی گره خورده است. تربیت در اسلام، به معنای ربوبی شدن یا خداگونگی (باقری، ۱۳۶۸، ج ۱) و خدا در قرآن، زیبا (حشر، ۲۴)، منشاء زیبایی (سجده، ۷) و دوست‌دار آن (بقره، ۱۹۵) معرفی شده و دلیل آفرینش حیات و مرگ آدمی در قرآن، آزمودن در میزان زیبایی اعمال او (ملک، ۲) دانسته شده است.^۱ بر این اساس، در بسیاری از آیات، به انجام اعمال زیبا (آفرینش زیبایی) امر شده است.^۲ در همین راستا، آیات بسیار دیگری نیز در قرآن، میل به زیبایی را در انسان به رسمیت شناخته^۳ و آن را عامل دوست داشتن و دوست داشته شدن معرفی

۱. «هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى...»، «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ...»، «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ...»، «...إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» و «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلِغَكُمْ إِلَيْكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ».

۲. در این زمینه به عنوان نمونه می‌توان از آیات زیر یاد کرد: «ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ»؛ «وَلَا تُسْتَوَىٰ الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...»، «وَ احْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ».

۳. به عنوان نمونه، در آیات زیر می‌خوانیم: «وَدَخَلَ مَعَهُ السَّجْنَ فَتَيَانٌ قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّي أَرَانِي أَعْصِرُ خَمْرًا وَقَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرَانِي أُحْمَلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْرًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ نَبْتُهَا بِتَأْوِيلِهِ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ»؛ «فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ». در آیه‌ی نخست، زندانیان هم‌بند حضرت یوسف (ع)، به ایشان می‌گویند که ما تو را از کسانی که کارهای زیبا انجام می‌دهند، می‌بینیم و به این واسطه، تعبیر خوابشان را از ایشان می‌پرسند. مضمون آیه، حاکی از این است که زیبایی موجود در اعمال حضرت، موجبات توجه و اعتماد آنها را فراهم آورده است. در همین راستا، آیات بسیار دیگری مانند آیه‌ی ۴۳ سوره‌ی انعام که حاکی زیبا جلوه دادن اعمال بد آدمی توسط شیطان است، ناظر بر همین امر هستند. قرآنی در تفسیر این آیه، اغفال آدمی توسط شیطان را ناشی از فطرت زیبایی‌دوست آدمی دانسته است (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۲۵۴). از این رو، استفاده از مفهوم زیبایی، در بافتی غیردینی و نیز زیبا جلوه دادن اعمال برای ترغیب به انجام آنها و موارد دیگری از این دست، نشانه‌ی این امر است که وجود میل به زیبایی و زیبایی‌دوستی در آدمی، در قرآن مفروض واقع شده است.

کرده‌اند.^۱ از طرف دیگر، زیبایی در قرآن، بالاترین مرتبه‌ی کمال محسوب شده و مفاهیم تربیتی مهمی چون «تقوی»، «ایمان» و «عمل صالح» در ذیل آن قرار گرفته‌اند.^۲ براساس این نگاه ویژه و این جایگاه بنیادین است که چگونگی تعامل تربیت و زیبایی، در اسلام، اهمیتی ویژه می‌یابد، امری که از طرف متخصصین و صاحب‌نظران اسلامی در هر دو حوزه‌ی تعلیم و تربیت و زیبایی‌شناسی، کم‌تر به آن پرداخته شده و- آنچنان‌که پیشتر اشاره شد- اندک مطالعات صورت گرفته، عمدتاً در سطح تربیت زیباشناختی یا هنری، متوقف مانده‌اند.

۲. سازه‌گرایی زیباگرایانه

آنچنان‌که گفته شد، رویکرد سازه‌گرایی زیباگرایانه به عنوان مبنای تربیت اصیل اسلامی، توسعه‌ی رویکرد (جدید) سازه‌گرایی واقع‌گرایانه، در مباحث مربوط به زیبایی در قرآن است. رویکرد جدید سازه‌گرایی، در میان نظریات موجود در این زمینه، نظریه‌ای در حوزه‌ی مطالعات اسلامی است که توسط باقری (۱۹۹۵، ۲۰۱۳)، از ترکیب دو تفسیر رقیب، یعنی تفسیر دینی و تفسیر مکانیکی (ماشین‌انگاران) از انسان ارائه شده است.

این نظریه، رویکردی رشد یافته بوده که با هر دو شکل واقع‌گرایی و سازه‌گرایی خام متفاوت است (باقری، ۲۰۱۳). از این منظر، به طور عام، واقع‌گرایی به معنای حضور واقعیتی مستقل از تئوری‌ها و دریافت‌های ما در جهان است. سازه‌گرایی نیز به این معناست که برساخته‌های ذهن آدمی (اعم از تئوری‌ها و دریافت‌های او) سازنده‌ی واقعیات هستند، واقعیاتی که متناسب با آن‌ها و موید آن‌ها

۱. به عنوان نمونه در آیه‌ی زیر می‌خوانیم: «وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَ الْعِصْيَانَ...». علامه طباطبایی، در تفسیر المیزان، محبوب کردن ایمان در دل مؤمنین را به این معنا دانسته که خداوند ایمان را به زیوری آراسته که دل‌ها را به سوی خود جذب می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۴۶۷). به عبارت دیگر، چون آدمی به زیبایی تمایل داشته و آن را دوست دارد، خداوند ایمان را در قلب‌ها زیبا جلوه داده تا موجبات رغبت به آن و دوست داشتن آن را فراهم آورد.

۲. این رابطه را می‌توان از تحلیل آیه‌ی: «لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَآمَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يَجِبُ الْمُحْسِنِينَ» استنتاج کرد. در این آیه، ضمن تأکید بر تمایز دو کیفیت «حُسن» و «تقوا»، نشان‌دهنده‌ی لزوم مقارنت «تقوا» با مراتب «ایمان»، «عمل صالح» و «احسان»، و بعد از این، ناظر بر برتر بودن مرتبه‌ی «زیبایی» در این شبکه‌ی مفهومی است. از این حیث، به نظر می‌رسد، بین این مفاهیم، رابطه‌ای طولی برقرار است که براساس آن همه‌ی مفاهیم زیرین، در سطوح و مراتب مختلف خود، از درجاتی از زیبایی برخوردار هستند. بنابراین، با توجه به شواهد ارائه شده در آیات مذکور، مفهوم زیبایی در اسلام، به عنوان بالاترین مرتبه‌ی کمال، مطرح است.

می‌باشند (هیگمن^۱، نئوبرت^۲ و ریک^۳، ۲۰۰۹). سازه‌گرایانی چون دیویی^۴، مونته سوری^۵، ویگوتسکی^۶، پیازه^۷، کلی^۸، برونر^۹، فریره^{۱۰} و ... ذهن آدمی را آینه‌ی واقعیاتی در بیرون نمی‌دانند، بلکه او را شاهد، شریک و عامل تولید، تغییر و تبدیل الگوهای می‌دانند که واقعیات را خلق می‌کنند (هیگمن، نئوبرت و ریک، ۲۰۰۹).

در این میان، حامیان رویکرد سازه‌گرایی واقع‌گرایانه (نظیر باسکار، جین لوینگار^{۱۱}، فردریک والنر^{۱۲}، باقری و...)، صرف‌نظر از حضورشان در نحله‌های متفاوت فکری و به طور عام، به ارتباطی بین سازه‌ها و واقعیت معتقدند. از این منظر، نقد اصلی سازه‌گرایی واقع‌گرایانه به سازه‌گرایی محض این است که سازه‌گرایی، استقلال واقعیات را که شامل واقعیاتی مربوط به انسان و طبیعت می‌باشد، از بنیان رد می‌کند (باقری، ۲۰۱۳) و از یاد می‌برد که تولید، توسعه، جرح و تبدیل سازه‌ها در آدمی (به عنوان اصلی‌ترین مفروض سازه‌گرایان)، واقعیتی مستقل است که نمی‌تواند خود موضوع سازه‌ها باشد (باقری، ۲۰۱۳). از سوی دیگر، این نظریه به واقعیات توجه دارد، اما نه به اندازه‌ای که نقش تفسیر آدمی را از آن نادیده بگیرد (باقری، ۲۰۱۳).

از این منظر آنچه در واقع‌گرایی خام از میان برچیده می‌شود، نقش زبان، بافت زمینه و احساسات در هدایت به سوی واقعیات است (باقری، ۲۰۱۳). زبان، با مفاهیم و احکام خود در باب واقعیات، بافت زمینه، با الحاق ویژگی‌هایی متمایز به واقعیات، و احساسات، با جرح و تعدیل واقعیات برحسب اهمیت‌شان، ما را به شیوه‌های معینی از فهم آن‌ها، رهنمون می‌شوند (باقری، ۲۰۱۳). بنابراین، سازه‌گرایی واقع‌گرایانه، سعی

-
1. L. A. Hickman
 2. S. Neubert
 3. K. Reich
 4. John Dewey
 5. Maria Montessori
 6. Lev Vygotsky
 7. Jean Piaget
 8. George Kelly
 9. Jerome Bruner
 10. Paulo Freire
 11. Jane Loevinger
 12. Friedrich Wallner

دارد تا هر دو جنبه‌ی عینی و ذهنی را در نظر داشته باشد و از این منظر، از تاثیرات خاص خود بر تفکرات مربوط به تعلیم و تربیت و توسعه‌ی یک فلسفه برای آن، برخوردار است (باقری و خسروی، ۲۰۰۵).

از این حیث، در مقابل وجود رویکردهای جزمی موجود در اسلام که معتقدند آموزه‌های اسلامی، ما را به مجموعه‌ای از آراء ثابت و اعتقادات تغییرناپذیر توصیه می‌کنند، باقری (۱۹۹۵، ۲۰۱۳) با مستندات خود از آموزه‌های اسلامی در قرآن، ضمن معرفی تنوع ویژه‌ای از این رویکرد، ثابت می‌کند که اسلام به طور گسترده، با نظریه‌ی سازه‌گرایی واقع‌گرایانه، سازگار است. در رویکرد جدید سازه‌گرایی واقع‌گرایانه، از منظر قرآن، به لحاظ هستی‌شناسی، واقعیت‌هایی (که شامل وجود خدا نیز می‌شوند)، در جهان وجود دارند (باقری و خسروی، ۲۰۰۵). از منظر معرفت‌شناختی، دسترسی به این واقعیت‌ها با تولید و توسعه‌ی سازه‌ها در ذهن آدمی میسر می‌گردد. بنابراین، مادامی که دانش، از این منظر، حرکت به سوی واقعیت در نظر گرفته می‌شود، نیل به واقعیت از طریق سازه‌های ذهنی امکان‌پذیر است (باقری، ۲۰۱۳).

در همین راستا، همانطور که گفته شد، ایده‌ی سازه‌گرایی زیباشناسانه، حاصل توسعه‌ی رویکرد سازه‌گرایی واقع‌گرایانه در باب مباحث زیباشناختی در قرآن است. این رویکرد نیز مانند رویکرد سازه‌گرایی واقع‌گرایانه، به طور گسترده‌ای با پیش‌فرض‌های قرآن در این زمینه، منطبق می‌باشد. بر این اساس، زیبایی‌ها در جهان، مستقل از ادراک و توجه آدمی، وجود دارند. این پیش‌فرض، شامل وجود خداوند به عنوان زیبایی مطلق نیز است. از منظر ایده‌ی سازه‌گرایی زیباشناسانه، نیل به زیبایی مطلق، از طریق سازه‌های ذهن آدمی، در حد موجودیت وی امکان‌پذیر است.

شاهد این امر آیاتی از قرآن هستند که در ضمن آن‌ها، از یک‌سو، خداوند خالق همه چیز دانسته شده است: «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ»^۱ (زمر، ۶۲) و از سوی دیگر، بیانگر آن هستند که خداوند هر آنچه آفریده، زیبا قرار داده است: «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ»^۲ (سجده، ۷). در همین راستا، خداوند در قرآن علاوه بر اینکه منشأ زیبایی‌ها است، صاحب همه‌ی نام‌های زیبا معرفی شده است: «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى»^۳ (اعراف، ۱۸۰). این نام‌ها، نمایانگر صفت و حقیقتی از حقایق ذات مقدس خداوند هستند (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۲۳۳). در تفسیر این بخش از آیه و بخش بعدی آن که می‌فرماید: «... فَأَدْعُوهُ بِهَا...»^۴ (اعراف،

۱. «خدا آفریدگار هر چیزی است».

۲. «همان کسی که هر چیزی را که آفریده است نیکو آفرید».

۳. «و نام‌های نیکو به خدا اختصاص دارد».

۴. «پس او را با آنها بخوانید».

۱۸۰)، خداوند زیبا و منشاء همه زیبایی‌های مشهود در جهان، و هدایت، حرکت به سوی او (به عنوان زیبایی مطلق) و تشبه جستن به او دانسته شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۴۴۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۲۳). علاوه بر این‌ها، همانطور که گفته شد، از منظر سازه‌گرایی زیباگرایانه، نیل به زیبایی مطلق، از طریق سازه‌های ذهن آدمی و در حد موجودیت وی امکان‌پذیر می‌باشد. این پیش فرض، از مضمون ادامه‌ی همین آیه قابل استنتاج است که می‌فرماید: «و کسانی را که در مورد نام‌های او به کژی می‌گیرند، رها کنید. زودا که به [سزای] آنچه انجام می‌دادند، کیفر خواهند یافت»^۱ (اعراف، ۱۸۰). مضمون این بخش از آیه، خود نشانه‌ی ویژگی مهم دیگری در آدمی، به عنوان عامل و نیز مولد و توسعه‌دهنده‌ی سازه‌های ذهنی است (در این زمینه در بخش نظریه‌ی انسان عامل توضیح داده خواهد شد). با این تفاسیل، در ادامه، به هدف اثبات انطباق پیش‌فرض‌های موجود در آیات قرآن با سازه‌گرایی زیباگرایانه و بنابراین از دو جهت، «امر زیبا» و نیز «ادراک‌کننده‌ی زیبایی»، به تشریح و تبیین ویژگی‌های زیبایی در قرآن می‌پردازیم. بدین ترتیب بخش بعدی، در دو قسمت انواع زیبایی و مراتب زیبایی، به تبیین و تشریح پیش‌فرض‌های زیباشناختی قرآن، اختصاص دارد.

۲-۱. انواع زیبایی از منظر قرآن

ویژگی‌های زیبایی در قرآن با نظر به «امر زیبا»، در دو نوع ظاهری و باطنی مطرح هستند. این امر در معنای دو واژه‌ی «حُسن» و «جمیل» در قرآن نهفته است. از این منظر، زیبایی‌های ظاهری یا زیبایی‌های محسوس شامل زیبایی‌هایی هستند که با حواس پنج‌گانه قابل درک بوده و ادراک زیبایی‌های باطنی یا معقول، با عقل و توانایی‌های عقلی امکان‌پذیر است.

۲-۱-۱. زیبایی‌های محسوس

در قرآن در موارد متعددی به زیبایی‌های ظاهری (یا حسی) امور اشاره شده است. به عنوان مثال در آیه‌ی ششم سوره‌ی نحل که می‌فرماید: «وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ»^۲ از زیبایی به چرا بردن و بازگرداندن چارپایان، سخن به میان آمده است. علاوه بر این، در ضمن آیاتی نظیر: «فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ»^۳ (الرحمن، ۷۰)، «مُتَّكِئِينَ عَلَى رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ

۱. «... وَذُرُؤُا الَّذِيْنَ يَلْجُدُوْنَ فِيْ اَسْمَائِهِ سَیْجُرُوْنَ مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ».

۲. «و چارپایان را برای شما آفرید...؛ و در آنها برای شما زیبایی است، آنگاه که [آنها را] از چراگاه برمی‌گردانید و هنگامی که [آنها را] به چراگاه می‌برید».

۳. «در آنها [زنانی] نکوخوی و نکورویند».

حِسَانٍ»^۱ (الرحمن، ۷۶)، «... وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوْرَكُمْ...»^۲ (غافر، ۶۴) و «أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُّسْتَقَرًّا وَأَحْسَنُ مَقِيلاً»^۳ (فرقان، ۲۴)، از زیبایی زنان بهشتی، زیبایی اشیاء بهشتی، زیبایی چهره و اندام انسان و زیبایی استراحت‌گاه، سخن به میان آمده است. این آیات و آیات بسیار دیگری از این دست، همگی ناظر بر سطحی از زیبایی در قرآن هستند که به زیبایی‌های ظاهری و حسی اختصاص دارد.

۲-۱-۲. زیبایی‌های معقول

همانطور که گفته شد، نوع دیگری از زیبایی‌ها در قرآن را زیبایی‌های باطنی یا معقول (زیبایی‌های غیر محسوس) تشکیل می‌دهند که با امکانات قوه‌ی عقل، ادراک می‌گردند. از نمونه‌ی آیاتی که متضمن این نوع از زیبایی‌ها هستند می‌توان به آیات ۵۰ سوره‌ی مائده: «وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ»^۴، آیه‌ی ۸۵ و ۱۲۵ سوره‌ی نساء: «مَنْ يَشْفَعُ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِّنْهَا...»، «وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِّمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ...»^۵، آیه‌ی ۲۵ سوره‌ی ص: «... وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَّآبٍ»^۶، آیه‌ی ۵۸ سوره‌ی حج «وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا...»^۷، آیه‌ی ۱۷ سوره‌ی انفال: «فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءٌ حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»^۸، آیه‌ی ۱۲ سوره‌ی مائده: «... وَ أَفْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا...»^۹، آیه‌ی ۲۱ سوره‌ی احزاب: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ...»^{۱۰} و آیه‌ی ۵۳ سوره‌ی مائده: «وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...»^{۱۱}، اشاره کرد که در آن‌ها

۱. «بر بالش سبز و فرش نیکو تکیه زده‌اند».

۲. «... و صورت‌های شما را نیکو نمود...».

۳. «آن روز، جایگاه اهل بهشت بهتر و استراحت‌گاهشان نیکوتر است».

۴. «... داوری چه کسی از خدا بهتر است؟»

۵. «هر کس شفاعت پسندیده کند، برای وی از آن نصیبی خواهد بود و هر کس شفاعت ناپسندیده‌ای کند، برای او از آن [نیز] سهمی خواهد بود...»؛ «و دین چه کسی بهتر است از آن کس که خود را تسلیم خدا کرده و نیکوکار است...».

۶. «... و در حقیقت برای او پیش ما تقرب و فرجامی خوش خواهد بود».

۷. «و آنان که در راه خدا مهاجرت کرده، و آنگاه کشته شده یا مرده‌اند، قطعاً خداوند به آنان رزقی نیکو می‌بخشد...».

۸. «و شما آنان را نکشتید، بلکه خدا آنان را کُشت. و چون [ریگ به سوی آنان] افکندی، تو نیفکندی، بلکه خدا افکند. [آری، خدا چنین کرد تا کافران را مغلوب کند] و بدین وسیله مؤمنان را به آزمایشی نیکو، بیازماید. قطعاً خدا شنوای داناست».

۹. «... و وام نیکویی به خدا بدهید...».

۱۰. «قطعاً برای شما در [اقتداء به] رسول خدا سرمشقی نیکو است...».

۱۱. «و به بندگانم بگو: آنچه را که بهتر است، بگویند...».

به زیبایی داوری، زیبایی شفاعت، زیبایی دین، زیبایی بازگشت، زیبایی رزق و روزی، زیبایی امتحان، زیبایی قرض، زیبایی الگو و اسوه و زیبایی سخن گفتن، اشاره شده است.

سخن از این دست زیبایی‌ها را می‌توان به معنای این دانست که در آموزه‌های قرآن، اخلاق و امور اخلاقی به عنوان زیبایی‌های معقول یا زیبایی‌های باطنی، زیر مجموعه‌ی مقوله‌ی کلی «زیبایی» محسوب می‌شوند. در همین راستا، در آیه‌ی: «اللّٰدِی خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَیَاةَ لِيُبَلِّغُكُمْ اَیْکُمْ اَحْسَنُ عَمَلًا وَ هُوَ الْعَزِیْزُ الْعَفُوْرُ»^۱ (ملک، ۲)، هدف از آفرینش مرگ و زندگی، آزمودن انسان‌ها، به میزان زیبایی اعمالشان عنوان شده است. در همین زمینه، در حدیثی از حضرت علی (ع) آمده است: «قِيَمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يَحْسِنُهُ»^۲ (نهج البلاغه، حکمت، ۸۱)، به این معنا که ارزش آدمی به میزان زیبایی اعمال اوست. بر این اساس می‌توان گفت، برخلاف تقسیم‌بندی رایج در مباحث مربوط به ارزش‌شناسی که آن را به اخلاق و زیبایی‌شناسی تقسیم و مباحث زیبایی‌شناسی در آن منحصر به زیبایی‌های محسوس می‌شوند (نلر، ۱۳۸۳)، در اسلام، زیبایی، ذیل مبحث ارزش‌شناسی مطرح بوده و خود در دو نوع زیبایی‌های محسوس و معقول، قابل بررسی است (جدول ۱).

جدول ۱ - تقسیم‌بندی رایج مباحث مربوط به ارزش‌شناسی در فلسفه

ارزش‌شناسی	
زیبایی‌شناسی	اخلاق

از این حیث، امور اخلاقی از این حیث که زیبا هستند، ارزشمند تلقی می‌شوند. بر این اساس، آنچنان که پیش‌تر نیز گفته شد، آنچه به ظاهر به عنوان گزاره‌های اخلاقی مطرح هستند، در آموزه‌های اسلام، در زمره‌ی زیبایی‌های معقول، زیر مجموعه‌ی مباحث مربوط به زیبایی قرار می‌گیرند (جدول ۲).

جدول ۲ - تقسیم‌بندی مباحث ارزش‌شناسی از منظر قرآن

ارزش‌شناسی	
زیبایی	
زیبایی‌های محسوس	زیبایی‌های معقول

۱. «همان که مرگ و زندگی را پدید آورد تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارترید، و اوست ارجمند آمرزنده».

۲. در باب این حدیث توصیفات بی‌ظنیری از ادیبان و شارحان مختلف نقل شده است. از آن جمله سید رضی، در بی نقل این حدیث می‌نویسد: «و این کلمه‌ای است که آن را بهاء نتوان گذارد، و حکمتی هم‌سنگ آن نمی‌توان یافت و هیچ کلمه‌ای را همتای آن نتوان نهاد». ابوعثمان جاحظ، ملقب به امام ادب عربی، در وصف این حدیث می‌نویسد: «اگر از این کتاب جز همین جمله را نداشتیم، آن را شافی، کافی، بسنده و بی‌نیازکننده می‌یافتیم».

۲-۲. مراتب زیبایی از منظر قرآن

مراتب زیبایی از دیدگاه سازه‌گرایی زیباشناسانه از دو منظر «امر زیبا» و «ادراک‌کننده‌ی زیبایی» قابل بررسی است. در قرآن، از منظر ویژگی‌های زیبایی با نظر به امر زیبا، نمی‌توان برای زیبایی مرتبه در نظر گرفت. به این دلیل، در آیه: «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ»^۱ (سجده، ۷) آمده است که همه‌ی موجودات در زیباترین شکل ممکن آفریده شده‌اند و از این حیث در آیه‌ی «ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ»^۲ (مومنون، ۱۴)، از خداوند به عنوان بهترین خلق‌کنندگان «أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» یاد می‌کند. اما از منظر ویژگی‌های زیبایی، با نظر به ادراک‌کننده‌ی آن، می‌توان از این مراتب سخن گفت. شواهد قرآنی این امر مربوط به واژه‌ی «أَحْسَنُ»، به معنای زیباتر و زیباترین، در آیات است. به عنوان مثال، در آیه «وَلَا يَنْفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً وَلَا يَقْطَعُونَ وَادِيًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»^۳ (توبه، ۱۲۱)، از پاداش به چیزی زیباتر از آنچه انجام داده‌اند، سخن رفته است، یا در آیه‌ی «أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ»^۴ (صافات، ۱۲۵)، به زیباترین خلق‌کنندگان اشاره دارد. همین‌طور در آیه‌ی «وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا»^۵، (فرقان، ۳۲) از زیباترین تفسیر، در آیه‌ی «اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِيَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ...»^۶ (زمر، ۲۳) از زیباترین سخن، در آیه‌ی «نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ...»^۷ (یوسف، ۳) از زیباترین قصه، در آیه‌ی «وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِّمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ

۱. «همان کسی که هر چیزی را که آفریده است، نیکو آفرید.»

۲. «آنگاه نطفه را به صورت علقه درآوردیم. پس آن علقه را [به صورت] مضغه گردانیدیم، و آنگاه مضغه را استخوان‌هایی ساختیم، بعد استخوان‌ها را با گوشتی پوشانیدیم، آنگاه [جنین را در] آفرینشی دیگر پدید آوردیم. آفرین باد بر خدا که بهترین آفرینندگان است.»

۳. «و هیچ مال کوچک و بزرگی را انفاق نمی‌کنند و هیچ وادی را قطع نمی‌کنند، پاداش دهد.»

۴. «آیا [بعل] را می‌پرستید و بهترین آفرینندگان را وامی‌گذارید؟!»

۵. «و برای تو مثلی نیاوردند، مگر آنکه [ما] حق را با نیکوترین بیان برای تو آوردیم.»

۶. «خدا زیباترین سخن را [به صورت] کتابی متشابه، متضمن وعده و وعید، نازل کرده است. آنان که از پروردگارشان می‌هراسند، پوست بدنشان از آن به لرزه می‌افتد، سپس پوست‌شان و دل‌شان به یاد خدا نرم می‌گردد...»

۷. «ما نیکوترین سرگذشت را به موجب این قرآن که به تو وحی کردیم، بر تو حکایت می‌کنیم...»

مُحْسِنٌ...»^۱ (نساء، ۱۲۵) از زیباترین دین، و در آیهی «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا...»^۲ (اعراف، ۱۸۰)، از زیباترین نام‌ها، سخن به میان آمده است.

همان‌طور که گفته شد، مضمون این آیات و آیات بسیار دیگری از این دست، نشانه‌ی وجود مراتبی برای زیبایی بوده و ناظر بر این امر مهم هستند که می‌توان از میزان زیبایی امور سخن راند. از منظر سازه‌گرایی زیباگرایانه، هرچه سازه انطباق بیشتری با زیبایی مطلق داشته باشد، از زیبایی بیشتری برخوردار خواهد بود. در این میان، البته، سازه‌هایی نیز وجود خواهند داشت که بی‌شبهت به زیبایی مطلق بوده و گاه کاملاً بر ضد آن هستند، در حالی که فرد با توجه به محدودیت‌ها و ضعف‌های خود، آن‌ها را زیبا می‌بیند. از سوی دیگر، استفاده از صفات زیباتر و زیباترین، نشانه‌های وجود سازه‌هایی در مراتب پایین‌تر زیبایی هستند.

۳. سازه‌گرایی زیباگرایانه و عاملیت انسان

آنچه به طور مسلم در همه‌ی مباحث بالا مورد پیش‌فرض واقع شده، این است که انسان موجودی مختار و بنابراین عامل است. از این‌رو، از منظر انسان‌شناختی، یکی از استلزامات رویکرد سازه‌گرایی زیباگرایانه، خصیصه‌ی عاملیت در انسان است. باقری (۱۳۸۷ب) در نظریه‌ی انسان عامل، اثبات کرده است که تصویر واقعی انسان در قرآن، موجودی برخوردار از اختیار و بنابراین تصمیم‌گیرنده و عامل می‌باشد. انسان در قرآن، صرف‌نظر از دین، جنسیت و نژاد و... خود منشاء عمل خویش بوده و هویت خویش را با اعمال خود رقم می‌زند (باقری، ۱۳۸۷ب) و از این نگاه، مجبور به حرکت در راهی از پیش تعیین شده و تغییرناپذیر نیست. به عقیده‌ی باقری (۱۳۸۷پ) از منظر قرآن، اعمال آدمی به ترتیب از معرفت (شامل انگاره، گمان، باور و مفاهیمی نظیر آن‌ها)، میل (جذب و گریز) و اراده ناشی می‌شوند.

ترجمه‌ی این نظریه در رویکرد سازه‌گرایی زیباگرایانه، به این صورت است که آدمی موجودی عامل بوده که قادر است به هدف نیل و تشبه به زیبایی مطلق، در حد موجودیت خود و در مسیر آن، برحسب ادراک، احساس، زبان و بافت ویژه‌ای که در آن زیست می‌کند، سازه‌های ذهنی خود را از آن زیبایی مطلق خلق کند. از این منظر، گرچه آدمی از شهود زیبایی مطلق عاجز است، اما نشانه‌هایی از آن را در اختیار دارد که با کمک آن‌ها می‌تواند، به تولید سازه‌های خود در مسیر نیل به زیبایی مطلق و تشبه به آن

۱. «و دین چه کسی بهتر است از آن کس که خود را تسلیم خدا کرده و نیکوکار است...».

۲. «و نام‌های نیکو به خدا اختصاص دارد، پس، او را با آنها بخوانید...».

دست یازد و از این طریق به سهمی از زیبایی دست پیدا کند.

سوی دیگر این بحث، با توجه به مبادی عمل آدمی و محدودیت‌های ناشی از آن - اعم از نقصان در هر یک از مبادی - حاکی از به انحراف رفتن اختیاری و عامدانه از حرکت به سوی زیبایی مطلق است. همان‌طور که پیش‌تر بدان اشاره شد، آیه ۱۸۰ سوره‌ی اعراف که می‌فرماید: «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»^۱ و حاکی از به انحراف کشیده شدن اختیاری و عامدانه، از حرکت به سوی زیبایی مطلق است، ناظر بر همین امر می‌باشد. به عنوان نمونه‌ای دیگر، می‌توان به آیاتی از قرآن اشاره کرد که متضمن آراستن و زیبا جلوه دادن امور برای ترغیب آدمی به یک امر هستند. به عنوان مثال، در آیه ۴۳ سوره‌ی انعام، از تزیین و زیبا جلوه دادن اعمال زشت برای بدکاران، توسط شیطان، سخن به میان آمده است: «... وَ زَيَّنَّ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»^۲. این آیات از یک طرف متضمن عاملیت انسان و از طرف دیگر، آسیب‌های برخورداری از چنین اختیاری، هستند. بر این اساس، انسان‌ها با نظر به خصیصه‌ی عاملیت، ممکن است در مسیر ساخت سازه‌های خود به انحراف رفته، از مسیر نیل به زیبایی‌های حقیقی دور شوند.

۴. سازه‌گرایی زیباگرایانه، عاملیت انسان و تربیت زیبایی‌شناسانه‌ی اسلامی

در بخش مربوط به تشریح رویکرد سازه‌گرایی واقع‌گرایانه، به این مطلب اشاره شد که از منظر این رویکرد، فلسفه‌ی تعلیم و تربیت زیبایی‌شناسانه اسلامی، باید وفاداری خود را به واقعیت‌ها، از یک سو و از سوی دیگر، نقشی که انسان به عنوان مولد و توسعه‌دهنده‌ی سازه‌ها، در راه رسیدن به این واقعیت‌ها، ایفا می‌کند، نشان دهد (باقری، ۲۰۱۳). از این منظر و با توجه به مضمون آیه‌ی دوم سوره‌ی ملک که در آن هدف از آفرینش حیات و مرگ، ارزشیابی آدمی، با معیار زیبایی عمل او دانسته شده است^۳، یکی از مهم‌ترین عناصر تربیت زیبایی‌شناسانه اسلامی، پذیرفتن نقش تعیین‌کننده‌ی آدمی در تربیت و نیز توجه به مبادی عمل - یعنی معرفت، میل و اراده - او است. فعل امر «احسنوا» که در قرآن خطاب به انسان آمده است (بقره، ۱۹۵؛ ملک، ۲)، ناظر بر وجه عاملیت انسان در زمینه آفرینش زیبایی‌ها است، زیبایی‌هایی که براساس آموزه‌های قرآن نشانگر ارزش آدمی هستند.

۱. «و نام‌های نیکو به خدا اختصاص دارد، پس او را با آنها بخوانید، و کسانی را که در مورد نام‌های او به کژی می‌گیرند، رها کنید. زودا که به [سزای] آنچه انجام می‌دادند، کیفر خواهند یافت».

۲. «... و شیطان آنچه را انجام می‌دادند، برایشان آراسته است».

۳. «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلُوَكُمْ أَكْمَحْسَنُ عَمَلًا...».

از این منظر، دلیل انتخاب دو رویکرد سازه‌گرایی زیباگرایانه و عاملیت انسان در این پژوهش، وجود دو دیدگاه رقیب در مباحث فلسفی مربوط به زیبایی و زیبایی‌شناسی و لزوم اتخاذ موضع در این بین می‌باشد. یکی از این دو دیدگاه مبتنی بر اتکاء به تحقق امر زیبا و دیگری مبتنی بر اتکاء به ذهن آدمی به عنوان ادراک‌کننده‌ی زیبایی است. از این منظر، کاستی‌های دو دیدگاه رقیب، یعنی اتکاء به تحقق زیبایی در جهان و نادیده گرفتن نقش ادراک آدمی (واقع‌گرایی خام) و یا رد تحقق زیبایی در جهان بیرون و منحصر دانستن آن به ذهن آدمی (سازه‌گرایی خام)، دلیل اصلی ارائه‌ی این ایده بوده است. بر این اساس، از یک‌سو، اتکای محض به رویکرد سازه‌گرایی خام که در زیبایی‌شناسی ناظر بر ذهنی بودن زیبایی است، موجب خواهد شد، تا زیبایی اساساً امری غیرقابل انتقال به غیر و بنابراین غیرقابل تعلیم و آموزش، تلقی شود و از سوی دیگر، اتکاء به واقع‌گرایی خام و بنابراین عینی دانستن زیبایی نیز موجب خواهد شد که نقش ادراک آدمی و درک و دریافت او از زیبایی مغفول مانده و تصویری غیرحقیقی از زیبایی ترسیم گردد که منطبق بر شواهد موجود، مبنی بر اختلاف نظرهای واضح در باب زیبایی از نظر افراد مختلف و در موقعیت‌های مختلف، نیست. این دو ایده، آنچنان که در شرح آن نیز آمده است با پیش‌فرض‌های هستی‌شناختی، زیباشناختی و انسان‌شناختی قرآن در این پژوهش، مبنی بر تحقق زیبایی در جهان و نیز نقش تعیین‌کننده‌ی انسان در این زمینه، منطبق هستند. از این جهت، برتری دیدگاه سازه‌گرایی زیباگرایانه در این است که بر هر دو وجه «امر زیبا» و نیز «ادراک‌کننده‌ی زیبایی»، ناظر می‌باشد. این ویژگی آنچنان که گفته شد، هم موجبات ورود زیبایی را (به عنوان امری با معیارهای معین و بنابراین قابل انتقال) در تعلیم و تربیت فراهم می‌آورد و هم متضمن نقش دست‌اندرکاران امر تربیت (به عنوان تولیدکنندگان و توسعه‌دهندگان بر ساخته‌های زیبایی‌شناسانه) در هدایت به سوی شیوه‌های معینی از ادراک و آفرینش زیبایی‌ها است.

۵. نتیجه‌گیری

در این پژوهش با هدف معرفی رویکرد سازه‌گرایی زیباگرایانه، به بررسی گزاره‌های قرآن در باب تربیت، انسان و مفهوم زیبایی پرداخته شد. آنچنان که پیش‌تر به آن اشاره گردید، این رویکرد به عنوان رویکردی نوین در حوزه‌ی مطالعات تعلیم و تربیت اسلامی، نتیجه‌ی توسعه‌ی رویکرد (جدید) سازه‌گرایی واقع‌گرایانه، در حوزه‌ی مباحث مربوط به زیبایی‌شناسی در اسلام بوده و به طور گسترده‌ای با پیش‌فرض‌های قرآن در این زمینه، منطبق است. بر این اساس، از منظر قرآن، زیبایی‌ها در جهان، مستقل از ادراک و توجه آدمی، وجود دارند و این پیش‌فرض، شامل وجود خداوند به عنوان زیبایی مطلق

نیز است. از منظر ایده‌ی سازه‌گرایی زیباگرایانه، نیل به زیبایی مطلق، از طریق سازه‌های ذهن آدمی، در حدّ موجودیت وی امکان‌پذیر است. در ادامه‌ی تشریح رویکرد سازه‌گرایی زیباگرایانه، مراتب زیبایی از دیدگاه سازه‌گرایی زیباگرایانه، از دو منظر «امر زیبا» و «ادراک‌کننده‌ی زیبایی» بررسی شدند. در قرآن، از منظر ویژگی‌های زیبایی با نظر به امر زیبا، نمی‌توان برای زیبایی مرتبه در نظر گرفت، اما از منظر ویژگی‌های زیبایی، با نظر به ادراک‌کننده‌ی آن، می‌توان از این مراتب سخن گفت. از منظر سازه‌گرایی زیباگرایانه، هرچه سازه‌ها انطباق بیشتری با زیبایی مطلق داشته باشند، از زیبایی بیشتری برخوردار خواهند بود. در این میان، البته، سازه‌هایی نیز وجود خواهند داشت که بی‌شبهت به زیبایی مطلق بوده و گاه کاملاً بر ضدّ آن هستند، در حالی که فرد با توجه به محدودیت‌ها و ضعف‌های خود، آن‌ها را زیبا می‌بیند. علاوه بر این، استفاده از صفات زیباتر و زیباترین در آیات بسیاری از قرآن، ناظر بر وجود سازه‌هایی در مراتب متفاوت است. بر این اساس، از منظر انسان‌شناختی، یکی از استلزامات رویکرد سازه‌گرایی زیباگرایانه، خصیصه‌ی عاملیت در انسان است که به عنوانی موجودی عامل، مختار و تصمیم‌گیرنده، قادر است به هدف نیل و تشبه به زیبایی مطلق، در حد موجودیت خود و در مسیر آن، برحسب ادراک، احساس، زبان و بافت ویژه‌ای که در آن زیست می‌کند، سازه‌های ذهنی خود را از آن زیبایی مطلق خلق کند و گام به گام به هدف نهایی آدمی که تشبه به زیبایی مطلق است، نزدیک‌تر شود. از منظر معرفت‌شناسی، در ایده‌ی سازه‌گرایی زیباگرایانه، زیبایی امری قابل دستیابی، برخوردار از معیارهای قابل تعریف و بنابراین قابل انتقال و قابل تعلیم است. بر این اساس، این رویکرد متضمن امکان ورود زیبایی در فرایند تعلیم و تربیت و هم‌زمان متضمن نقش غیرقابل انکار دست‌اندرکاران امر تربیت در هدایت به سوی شیوه‌های معینی از ادراک زیبایی و آفرینش زیبایی‌ها در فعالیت‌های روزمره‌ی آموزشی و تربیتی است.

— منابع —

- قرآن کریم، ترجمه‌ی محمد مهدی فولادوند. تهران: دارالقرآن الکریم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۴۱۵ق.
- نهج البلاغه، ترجمه‌ی سید جعفر شهیدی. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸.
۱. ابن سینا، ابوعلی (بی‌تا/ الف). *الشفاء (الالهیات)، النص*. قم: مکتبه آیت‌الله المرعشی.
 ۲. ابن سینا، ابوعلی (بی‌تا/ ب). *رسائل ابن سینا*. تهران: انتشارات بیدار.
 ۳. باقری، خسرو (۱۳۶۸). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*. تهران: انتشارات مدرسه، ج ۱.
 ۴. باقری، خسرو (۱۳۸۷ق). *درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
 ۵. باقری، خسرو (۱۳۸۷ب). *هویت علم دینی*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (سازمان چاپ و انتشارات).
 ۶. باقری، خسرو (۱۳۸۷پ). *شیوه تسامح و میبانی آن در تربیت نبوی. تعلیم و تربیت*، ۹۵، ص ۹.
 ۷. جعفری، محمدتقی (۱۳۶۹). *زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام*. تهران: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.
 ۸. رازی، فخرالدین (بی‌تا). *المباحث المشرقیة فی علم الالهیات والطبیعیات*. تهران: انتشارات بیدار، ج ۲.
 ۹. زیباکلام، فاطمه (۱۳۸۳). *میبانی فلسفی آموزش و پرورش در ایران*. تهران: انتشارات حفیظ.
 ۱۰. سهروردی، شهاب‌الدین یحیی (بی‌تا). *مجموعه مصنفات شیخ اشراق*. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگ، ج ۳.
 ۱۱. صادق‌زاده، علیرضا؛ حسینی، محمد؛ کشاورز، سوسن؛ احمدی، آمنه (۱۳۸۹). *گزارش نهایی پژوهش ملی آموزش و پرورش*. تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.
 ۱۲. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴). *تفسیر المیزان*. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه، ج ۱، ۱۱، ۱۸، ۸.
 ۱۳. طوسی، خواجه نصیر (بی‌تا/ الف). *آغاز و انجام*. تهران: انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
 ۱۴. طوسی، خواجه نصیر (بی‌تا/ ب). *اساس الاقتباس*. تهران: دانشگاه تهران.
 ۱۵. علم‌الهدی، جمیله (۱۳۸۸). *نظریه اسلامی تعلیم و تربیت*. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
 ۱۶. غزالی، ابوحامد (بی‌تا). *محک النظر*. قم: دارالفکر.
 ۱۷. فارابی، ابونصر (بی‌تا). *آراء اهل المدينة الفاضلة و مضاداتها*. بیروت: مکتبه الهلال.
 ۱۸. فارابی، ابونصر؛ غزالی، سید اسماعیل (بی‌تا). *فصوص الحکمة و شرحه*. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگ.
 ۱۹. قرآنی، محسن (۱۳۸۳). *تفسیر نور*. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ج ۳-۴.
 ۲۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الإسلامیة، ج ۷.
 ۲۱. ملاصدرا، صدرالدین محمد (بی‌تا). *الحاشیة علی الهیات الشفاء*. تهران: انتشارات بیدار، ج ۹.
 ۲۲. نصر، سید حسین (۱۳۸۵). *قلب اسلام*. ترجمه‌ی محمدصادق خرازی. تهران: نشر نی.
 ۲۳. نلر، جی. اف. (۱۳۸۳). *آشنایی با فلسفه آموزش و پرورش*. ترجمه فریدون بازرگان دیلمقانی. تهران: انتشارات سمت.
24. Al-Attas, N. (1977). *The Concept of Islamic Education*. Delivered in: First World Conference on Muslim Education. Makkatul Mucarramah.
 25. Bagheri, K. & Khosravi, Z. (2005). Islamic concept of education reconsidered. *Journal of religious thought: a quarterly of Shiraz University*, 16.
 26. Bagheri, K. (1995). *Toward a more realistic constructivism*. Advances in Persona Construct Psychology. London: JAI Press Inc. Vol.3, P. 37-59.

27. Bagheri, K. (2013). Constructive realism and science education. *Quarterly Journal of Curriculum Studies*, 7(28), P. 81-92.
28. Chittick, W.C. (2011a). **The Islamic Notion of Beauty**. Retrieved in 7th June 2007, from:
http://www.huffingtonpost.com/William-C-Chittick-phd/the-islamic-notion-of-bea_b_802503.html.
29. Chittick, W.C. (2011b). **Islam and the Innate Beauty of Human Nature**. Retrieved in 7th June 2007, from:
http://www.huffingtonpost.com/william-c-chittick-phd/the-innate-beauty-of-huma_b_814576.html
30. Fasheh, M. (2014). Healing from modern superstitions. *This Week in Palestine*, 199: P.14.
31. Hickman, L.A.; Neubert, S. & Reich, K. (2009). **John Dewey between pragmatism and constructivism**. Fordham University Press.

استناد به این مقاله

DOI: 10.22034/riet.2021.8824.1044

حسین‌زاده، ام البنین (۱۴۰۰). تبیین رویکرد سازه‌گرایی زیباگرایانه در تربیت اسلامی. پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی، دوره ۱، شماره ۳، ص ۲۳-۴۰.